

بازتاب حج گزارى هند در دوره حکمرانى گورکانیان در کتاب مایکل پیرسون (قرن دهم تا سیزدهم)

محمدسعید نجاتی*

چکیده

در این نوشته خلاصه‌ای از مطالب کتاب فوق‌الذکر - که به ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حج گزارى هند در قرن‌های دهم تا سیزدهم هجری می‌پردازد - ارائه می‌شود. در گزارش این کتاب، به تحلیل‌ها و آمارهای ارائه شده در کتاب توجه شده و به ترتیب فصل‌های کتاب، پس از معرفی منابع و آثار پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش و بیان اهداف و ضرورت‌ها و دشواری کار، به تاریخ حج در آغاز عصر جدید و در حقیقت در دوره مورد بحث اشاره می‌شود. در فصل بعدی به جایگاه کانونی حج در اندیشه اجتماعی و معنوی مسلمانان و در فصل بعد، به مناسبات پادشاه مغول هند در دوره مورد مطالعه با حج و حرمین پرداخته شده است.

تبیین دیدگاه‌های غربی در مورد حج گزارى به صورت کلی و حج گزارى هند به‌طور خاص، معرفی مؤلفه‌های تأثیرگذار در حج گزارى هند در فترت مورد بحث و تحلیل آن به روش تاریخی و ارائه اطلاعات جدید درباره حج گزارى هندیان، از نوآوری‌های این پژوهش است.

کلمات کلیدی: حج هند، گورکانیان، مایکل پیرسون، هند، مسلمانان هند

*. دکترای تاریخ اسلام، عضو گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت.

این کتاب نمونه‌ای از بررسی‌های امروزی غرب، درباره حج در نهایت قرون وسطی و آغاز قرن جدید است.

نویسنده در آغاز به معرفی پیشینه پژوهش خود می‌پردازد. وی اکنون استاد دانشگاه سیدنی استرالیا است که در شاخه تاریخ آسیای دانشکده علوم انسانی کار می‌کند (<https://hal.arts.unsw.edu.au/about-us/people/michael-pearson>)

وی در مقدمه کتاب ادعا کرده که این کتاب را در مدت ده سال با کمک اساتید دانشگاهی منیسوتا و دانشگاه اسلامی علی‌گروه و گروه کتاب‌شناسی دانشکده بررسی‌های شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، در دانشگاه ساووث ویز به انجام رسانده است.

این کتاب با یک مقدمه و خاتمه هشت فصل با عناوین زیر فراهم شده است: «حج در اوائل عصر جدید، جایگاه محوری حج، سیاست‌های حج، پادشاهان مغول و هند، ابعاد اقتصادی حج (راه خشکی، راه دریایی و اقتصاد مکه، هر کدام در یک فصل)». با توجه به فقر منابع موجود درباره موضوع مورد پژوهش، در این نوشته به معرفی تفصیلی منابع نویسنده پرداخته و سپس گزارشی از مطالب هر فصل ارائه شده است. نام اصلی این کتاب [Pilgrimage to Mecca: The Indian Experience, 1500-1800] است و در سال ۱۹۹۶ در انگلستان چاپ شده است. ترجمه این کتاب در سال ۲۰۱۱ در جده به عربی منتشر شده و مترجم عربی آن، محمد خلیفه حسن، ترجمه را تحت نظارت دکتر ابوبکر احمد باقادر به سامان رسانده است.

با توجه به کمبود منابع پژوهشی در این عصر، منابعی که نویسنده در مقدمه این کتاب معرفی کرده بود، به تفصیل بیان شد و پس از آن گزارشی از هر فصل:

فصل اول: برخی منابع پژوهشی حج‌گزاران هند در این دوره

پیرسون منابع حج‌گزاری هند در این دوره را در منابع زبان‌های مختلف پراکنده دانسته است. او پس از اشاره به فقر منابع، درباره موضوع این پژوهش، از مواردی چون آرشو عثمانی در دوره مطالعاتی مدنظر، گزارش‌های موجود در بایگانی اسناد پرتغال و انگلستان، که در این منطقه حضوری طولانی و فعال داشتند، یاد می‌کند. همچنین از کتاب اسلام در هند در فاصله زمانی قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی، که نوشته

نویسنده‌ای به نام سید ابراهیم عباس رضوی است نام می‌برد، که با وجود بررسی فرهنگی و ادبی این برهه، اطلاعات کمی را از حج‌گزاری هند به دست می‌دهد.

از دیگر کتب و منابع یاد شده درباره حج‌گزاری هند در مقدمه این کتاب، که می‌تواند برای پژوهشگران مفید باشد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: *مسلمانان هندی* از محمد مجیب افضل، *فرهنگ اسلامی در محیط هند* از عزیز احمد، *اسلام در هند از قرن شانزدهم* نوشته پیترو هاردی، *اسلام و تجارت در آسیا از دی اس. ریچارد*، *نقل و انتقالات جمعیت در اقیانوس هند* در گذشته. (این کتاب‌ها اطلاعات چندانی درباره حج‌گزاری هند به نویسنده نداده‌اند).

او به مقالات ویلیام روف، با عنوان «حج از جنوب غرب آسیا» و مقاله «حج در قرن نوزدهم از هند» نوشته باربارا متکالف نیز اشاره می‌کند. (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۳۰)

وی همچنین نوشته‌های مربوط به حج جنوب شرق آسیا را در این زمینه مفید دانسته که درباره تأثیر قلب اسلام (حجاز) بر متصوفه اندونزی، حجاج مالایو زبان، در قرن نوزدهم و نیز حج‌گزاری مالزی از سال ۱۸۶۰ تا ۱۹۸۱ نگاشته شده است و همچنین از کتاب نقش اسلام و جهان اسلام در اندونزی در قرن نوزدهم نیز که از گزارش‌های خوبی درباره حج‌اندونزی بر اساس منابع هلندی توسط مولن و فریدنبرگ تهیه شده، نام برده است (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۳۰).

از دیگر منابعی که پیرسون برای پژوهش درباره حج‌گزاری مناسب دانسته، مقالات *دائرةالمعارف اسلام* لیدن، مقالات *دائرةالمعارف دین*، *دائرةالمعارف تاریخ آسیا* و نیز کتاب حج از ریچارد باربر است (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۳۳).

از دیگر آثاری که درباره حج به صورت گروهی نگاشته و از نظر علمی توسط پیرسون ارزشمند شناخته شده است، کتاب *حج‌گزاری* است. این کتاب درباره ده نوع حج و زیارت در اسلام و ادیان دیگر سخن گفته است و او همچنین اشاره می‌کند که محمد حمیدالله و گادی فرای نیز مقالات بسیار مفیدی درباره دلالت‌ها و معنای معنوی اعمال حج نگاشته‌اند (همان).

از میان تحقیقات آکادمیک نیز می‌توان تحلیل حج در عصر مملوکی، نوشته عبدالله انکاوی، بررسی مفصل تاریخ قافله حج مصر، نوشته جاکوب گومیر، اثر دیویدای. لانگ درباره جوانب اجتماعی و پزشکی و دینی حج امروز و اثر جی. اس بیریک با عنوان عبور از ساوانا به سمت مکه را درباره حج گزاران از آفریقا، مناسب دانست (همان، ص ۳۴).

وی در ادامه به معرفی گزارش‌های جدیدی که در غرب درباره حج نگاشته شده پرداخته و از کتاب‌های زیر نام می‌برد:

گزارش‌های گولز (goelloz) و نیز گزارش محمد امین، که تصویرگری از اهالی گینه است، و هردو گزارش نیز حاوی تصاویر جالبی است (همان، ص ۳۵).

نویسنده فیلم‌های مستند مربوط به حج را برای مخاطب غیر مسلمانی که امکان دیدن شهرهای مکه و مدینه را ندارد، مناسب‌تر می‌داند. پیرسون بهترین این فیلم‌ها را فیلم «مکه شهر ممنوع» می‌داند که یک گروه ایرانی در دهه هفتاد میلادی آن را تولید کرده و شکوه و شادابی و اخلاص مرتبط با حج را نشان می‌دهد (همان).

گزارش‌های جدید از حج، همچون سفر مقدس به مکه، نوشته احمد کمال و کتاب الدون روتر، که گزارشی شخصی و مفصل از یک انسان غربی است. همچنین گزارش‌های انگلیسی از سفرهای حج جنوب آسیا، مانند گزارش نواب بوپال در اواخر این قرن و گزارش سیده میلر خلیفه (زنی انگلیسی که با یک مصری ازدواج کرده و به حج رفته) با عنوان *دستان یک حج به مکه و مدینه* و نیز گزارش وینفرد استگار، از این جمله‌اند (همان، ص ۳۶).

از دیگر کتاب‌هایی که نویسنده در این پژوهش مفید دانسته، فهرست‌های کتاب‌شناسی، از جمله کتاب *فهرست موضوعات اسلامی* یا *index islamicus* نوشته پیرسون است.

وی همچنین کتاب *روابط مغولان و عثمانیان*، نوشته تیمور رحمان فاروقی، که با تکیه بر منابع ترکیه‌ای عثمانی نگاشته شده، را یکی از منابع ممتاز این پژوهش به شمار آورده است (همان، ص ۳۷).

او از سفرنامه‌های ابن بطوطه و ابن جبیر و پوی مونکون، که از اسپانیا به حج رفته و همچنین حاکی از آفریقا در قرن چهارم که خاطراتش را در قصیده‌ای از حج بیان کرده، سخن گفته که این خاطرات نیز توسط برنارد لوئیس منتشر شده است (همان، ص ۳۸)

پیرسون گزارش اروپایی‌هایی که به صورت ناشناس و به عنوان مسلمان به حج رفته‌اند، مانند خاطرات پیتس (حدود ۱۶۸۵م)، گزارش‌های وارتما (اوائل قرن ۱۶) و گزارش‌های ریلاند و نیور را در این قسمت نام می‌برد.

گزارش‌های هندی‌های مسلمانی که در زمان مورد مطالعه به حج رفته‌اند، از جمله خاطرات گلبدن بیگم و خاطرات حاج جابر و نیز گزارش صافی قزوینی، پسر حاکم قزوین، به نام *انیس الحجاج*، که وصفی مفصل است و آن را با حمایت *زیب النساء* نگاشته است، از این دسته‌اند.

نویسنده درباره پرونده‌های استعمارگران اروپایی در هند؛ از جمله پرتغال، هلند، اسپانیا و انگلیس، اینگونه نگاشته است که: اولاً بسیاری منتشر نشده و ثانیاً ترجمه نشده است. وی با توجه به اهمیت نقش پرتغال در مسیر حج، پرونده‌های پرتغالی را به دو دسته «مکاتبات مبشران مسیحی» و «گزارش‌های حکام و فرماندهان پرتغالی» تقسیم می‌کند و با این تقسیم‌بندی اطلاعات جالبی را به دست می‌دهد.

وی در ادامه به مشکلات این عرصه پژوهشی برای اروپایی‌ها می‌پردازد و با آوردن مثال‌هایی در آثار آنها درباره حج، به سوء تفاهم و برداشت نادرست مطلب و فرهنگ مسلمانان اشاره می‌کند. او مثال‌های جالب و متعددی بعد از این مشکلات ذکر کرده مانند «مشکل عدم تطابق تقویم میلادی با تقویم قمری در محاسبات» و «مشکل عدم انتقال دقیق نام‌های عربی به زبان‌های لاتین و بالعکس» نیز آورده است (پیرسون، ۲۰۱۱م، صص ۵۸-۴۵)

از دیگر مشکلاتی که نویسنده در راه این پژوهش ذکر کرده، ممنوعیت ورود غیر مسلمانان به مکه و مدینه و دیگری، تکراری بودن بسیاری از گزارش‌ها، خاطرات و سفرنامه‌ها، به دلیل التزام به پیروی از یک روش در حج‌گزاری است.

همچنین وجود ذهنیت حجاج، نسبت به احساساتی که باید در ایام حج داشته باشند، باعث شده تا آنان به صورت از پیش تعیین شده درباره احساس ترس و خوف در مکه و احساس محبت در مدینه اظهار نظر کنند (همان، ص ۳۰) او در پایان مقدمه، درباره ظرف زمانی که انتخاب کرده سخن گفته و آن را با توجه به ظهور قدرت‌های منطقه‌ای مسلمان در هند و ایران و عثمانی، که هر کدام بر وضعیت حج‌گزاری هند تأثیر داشته است، بیان می‌کند.

فصل دوم: حج در اوائل عصر جدید

نویسنده در این فصل، ضمن یادکرد از جایگاه زیارت در میان مسلمانان، زیارتگاه‌های آنها را از نگاهی کلی شامل حرم‌های مقدس، به ویژه حرم شریف نبوی و قبور اولیای مشهور صوفیه و شهدا و مساجد دانسته است. وی یکی از رسوم مسافران مسلمان را زیارت مزارهای مسیر مسافرت و اماکن زیارتی شهرهای محل استقرار، مانند مکه و مدینه می‌داند. پیرسون اکثر زائران را از زنان می‌داند.

وی ارتفاع جایگاه اجتماعی حج‌گزار، تقویت ایمان و پرهیزگاری، ماجراجویی؛ هیجان‌طلبی و منافع و مناسبات اقتصادی را از انگیزه‌ها و اهداف حج‌گزاران دانسته و انتقال مضامین سیاسی، همبستگی اجتماعی و انتقال بیماری‌های واگیر را از جمله آثار حج برمی‌شمارد (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۷۰)

او در این فصل به انعکاس دیدگاه مورخان و گزارش‌نویسان درباره حج‌گزاری به نحو عام و به ویژه حج‌گزاری هند می‌پردازد و با ارائه شواهدی از گزارش‌های حج‌گزاری هند، به دنبال اثبات این دیدگاه‌ها است.

برای نمونه، وی اظهار نظر هنری روک، نویسنده انگلیسی قرن هجدهم، را همدلانه و از سرآگاهی می‌خواند که گفته:

* جدیتی که مسلمانان برای حج از خود نشان می‌دهند و سختی‌هایی که در راه ادای احترام به پیامبرشان متحمل می‌شوند، بسیار جالب است.

* آنان از چارسوی کشورهای اسلام به مکه می‌روند و طولانی‌ترین سفرها را با سختی بسیار به جان می‌خرند. غرور بیهوده، دین، شعبده‌بازی و تجارت، چهار عامل اصلی این حج سالانه است (همان، ص ۷۳)

پیرسون در ادامه به توضیح آثار مختلف حج می‌پردازد و عنوان می‌کند که حج‌گزاری باعث می‌شود؛ به نام مسلمانی که مکه را زیارت کرده، لقب حاجی بیفزایند. از سوی دیگر، عامل انجام حج برای بسیاری، نذر یا قسمی است که به هنگام بروز خطری به عهده گرفته‌اند. گروهی دیگر نیز هستند که پس از عمری خطاکاری، برای آمرزش و اصلاح خود به این سفر می‌روند.

در این میان، دیگرانی نیز هستند که با هدف تجارت و بازرگانی به حج می‌روند (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۷۳)

البته در این میان، او درباره ادعای وجود انگیزه شعبده‌بازی در میان حجاج (که در سخن روک آمده بود) توضیحی نداده است.

وی پس از آن، به دشواری‌های حج در این برهه زمانی پرداخته و طولانی و پرمخاطره بودن را از ویژگی‌های سفر در این عصر می‌داند. او توضیح داده که حج حاجیان غرب آفریقا، بین دو تا هشت سال طول می‌کشید و معمولاً مدتی که حاجی برای پیمودن مسیر در رفت و آمد بود، بسیار بیش از مدتی بود که در حرمین می‌گذراند و مثال می‌زند که در سفری که شش ماه یا بیشتر طول می‌کشید، حجاج غالباً فقط یک ماه در مکه و مدینه می‌ماندند.

پیرسون برای استدلال بر گرانی سفر، به گزارش قزوینی، نویسنده کتاب *انیس الحجاج*، اشاره می‌کند که وی در حجبی که از هند انجام داده، با وجودی که *زیب النساء خواهر اورنگ‌زیب‌شاه*، مخارج حج او را به عهده گرفته بود، باز هم (معادل) هزار ریال سعودی در این مسیر هزینه کرده است (همان، ص ۷۴)

نویسنده برای اشاره به آثار عمیق حج، به توسعه راه‌های تجاری غرب آسیا و مسیرهای ارتباطی میان مکه و سرزمین‌هایی چون مصر، سوریه، یمن و خلیج فارس

و ایجاد راه‌هایی جدید چون راه ارتباط مکه با عراق و فارس و عمان، اشاره می‌کند و اهتمام قافله‌های حج برای رسیدن به موقع، به مکه در ابتدای ماه ذی‌الحجه را یکی از عوامل مهم، توجه به راه‌ها می‌داند که باعث شده برای پیمودن تمام مسیر، برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشند. این برنامه‌ریزی در گزارش‌هایی مانند گزارش قزوینی، که از بندر سورات هند به جده را از طریق دریا پیموده، انعکاس یافته است (همان، ص ۷۵)

وی هجوم راهزنان صحرائین عرب، به کاروان‌های حج را از مهم‌ترین عوامل ناامنی در این عصر می‌داند که رابطه مستقیمی با ضعف دولت مرکزی داشته، این هجوم‌ها با قوت گرفتن دولت‌هایی مانند عثمانی و حمایت و تجهیز کاروان‌های حج، کاهش یافته است (همان، ص ۷۶)

البته جالب است که او در اینجا از تهدیدهای پیاپی و طولانی مدت ناوگان استعماری پرتغال سخنی به میان نیاورده و تنها آن را در مسائل سیاسی حج مطرح کرده است.

پیرسون در ادامه به گزارش‌هایی که انعکاس دهنده آمار و تعداد کاروان‌های مختلف مانند کاروان مصر و سوریه است و نیز آیین‌هایی چون استقبال و بدرقه این کاروان‌ها می‌پردازد ولی از آمار دقیق کاروان‌های هندی یا مراسم و آیین مرتبط با کاروان حاجیان هند، سخنی به میان نیاورده است.

او که با جمع‌بندی گزارش‌های مختلف، تعداد حاجیان هندی را در مدت زمان مورد مطالعه میان پنج تا پانزده هزار نفر تخمین زده است، موانعی را برای ارائه دقیق آمار حاجیان هند ذکر کرده که عبارتند از:

۱. تعدد بندرهای خروجی حجاج مانند کلکته؛ سورات؛ گوا و..
۲. ضمیمه شدن حجاج جنوب شرق آسیا به حاجیان هندی در این بندرها، که مانع از دانستن تعداد دقیق حجاج هند بوده است.
۳. نبود اطلاعات کافی از تعداد حجاج هندی و تعداد کشتی‌های آنان (همان، صص ۸۸ و ۸۹).

فصل سوم: جایگاه محوری حج

پیرسون در این فصل به جایگاه ویژه‌ای که حج در جهان اسلام دارد، پرداخته و حج را یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد احساس جمعی و همدلی در جهان اسلام، با وجود تنوع و گستره بسیارش دانسته است. وی حج را در شکل دهی رویکردهای هدفمند در عرصه‌های مختلف عمران و ساخت و ساز آداب و رسوم جامعه و... بسیار مؤثر می‌داند.

به نظر پیرسون تکرار هر ساله حج و ملاقات‌ها و دیدارهایی که طی آن انجام می‌شود و نیز ملاقات و دید و بازدیدهایی که از حاجی پس از بازگشت انجام می‌شود. باعث انتقال فرصت تجربه دینی آمیخته با احساس آرزومندی و امید به دیگران شده است.

دانشمندان اسلامی در میانه راه مکه با داد و ستد علمی با دیگر دانشمندان مناطق مسیر و مساجد محلی، آشنایان جدیدی می‌یافتند.

به عقیده پیرسون، حج با بخشیدن نقش محوری به شهر مکه، در شکل‌گیری افکار عمومی مسلمانان نقش مهمی دارد. به عقیده وی حج با شرکت دادن افراد مناطق مختلف جهان اسلام در مناسک خود، باعث تقویت ادراک جدیدی به حج‌گزار می‌شود که خود را متصل به مجموعه‌ای بزرگ‌تر و وسیع‌تر و جزئی از یک کل بسیار بزرگ می‌یابد (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۹۶)

وی کارکرد دیگر اجتماعی حج را تقویت روحیه پرهیزکاری و ایمان در میان حج‌گزاران دانسته است. پیرسون همچنین وی برای اثبات این مدعا به ظهور طبقه‌ای از مقدسان غیر روحانی و تقویت تعصبات دینی در حاجیان برگشته از حج اشاره کرده و به گزارشی استناد می‌کند که یکی از حکام هند پس از بازگشت از حج، رفتار ظالمانه خود را تغییر داد. همچنین گزارش کرده که حاجیان از حج برگشته، نسبت به غیر مسلمانان احساس انزجار و تنفر بیشتری داشته و خیال می‌کردند که هرگونه تماس و نگاه به مسیحیان نجس، باعث آلوده شدن آنان پس از تطهیر در حج می‌شود (همان، ص ۱۰۱)

وی در ادامه، از دیگر آثار معنوی حج به روی حجاج هندی را اشتیاق به بقا در حرمین با هدف پاک شدن گناهان گذشته، گذراندن روزهای آخر عمر در

سرزمین‌های مقدس و هم‌نشینی و استفاده از علمای با تقوا و مشهور ساکن حرمین می‌داند. او تأکید می‌کند افرادی که موفق به اینکار شدند در شهرهای خود به عنوان کسانی شناخته می‌شدند که در سرچشمه حیات جهانی اسلام، با هدف پاکی و قوت نفس، غوطه‌ور شده‌اند (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۰۴)

بسیاری از این افراد پس از کسب مرجعیت دینی و علمی از مجاورت در مدینه، منشأ تحولات بسیاری در مناطق خود، به ویژه در هند، شدند که پیرسون فهرستی از آنان را ارائه کرده است:

* حاج ابراهیم محدث قادری (م ۱۵۹۷)؛ وی پس از تحصیل و اقامت ۲۴ ساله در قاهره مکه و سوریه، به آگرا بازگشت و از جمله مدرسان برتر آن بود.

* شیخ بهاء‌الدین زکریای مولتانی؛

* عبدالحق دهلوی (م ۱۶۴۲)؛

* عبدالوهاب برهنپوری؛

* شیخ علی متقی برهنپور (م ۱۵۶۸)؛

* شیخ عبدالنبی هندی صوفی مسلک چشتیه (م قرن ۱۲) وی پس از بازگشت، از رسوم تصوف رویگردان شد و به صورت یک مسلمان سنی متعصب با این مرام به مبارزه برخاست.

* مولانا محمد طاهر از بزرگان بهره گجرات بود که پس از بازگشت از حج، به اصلاح این مذهب پرداخت.

* شاه صبغة‌الله از پیران فرقه صوفیه شطاری در احمدآباد هند بود که پس از بازگشت از حج، به اعمال اصلاحی در درون فرقه خود پرداخت و در بیجاپور ساکن شد.

* شاه‌ولی‌الله دهلوی قطب‌الدین احمد ابن عبدالرحیم معروف به شاه‌ولی‌الله دهلوی (۱۱۷۶-۱۱۱۴ق) دانشمند مسلمان، قرآن‌شناس، محدث، فقیه و متکلم و از پرآوازه‌ترین شخصیت‌های فکری و فرهنگی قرن دوازدهم در شبه قاره هند بود.

* احمدرضا بریلوی، ملقب به عبدالمصطفی، از عرفا و دانشمندان و مؤلفان شبه قاره و بنیان‌گذار مکتب بریلوی (۱۳۴۰-۱۲۷۲ق / ۱۹۲۱-۱۸۵۶م). است که پس از بازگشت از حج، به تأسیس مکتب خود پرداخت.

از دیگر نکاتی که درباره حج گزاری هند نقل شده، تأثیر این سفر بر گسترش اسلام در میان هندوهای فقیر مالابار و اماکن دیگر مسیر حج و مسیحیان بنگال بوده که در این گرایش به اسلام، آزارها و رفتار غیر انسانی مسیحیان اروپایی استعمارگر نیز تأثیرگذار دانسته شده است (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۱۵)

پیرسون در ادامه به مواردی پرداخته که سفر حج بر عکس مورد سابق، باعث نتیجه عکس و بی‌اعتنایی به مسلک و مذهب رسمی بوده و برای این مسئله نیز شواهدی را بدون ارائه استدلال و تحلیلی ذکر کرده است. از جمله این موارد:

ادعای مهدویت سیدمحمد گنپوری و تأثیر گذاری وی بر حاکم بجا و گجرات پس از بازگشت به هند از حج . سیدسعدالله صوفی پس از اقامت دوازده ساله در مکه و انجام یازده حج که پس از بازگشت، به هند تسامح وی با هندوها و مسلمانان، خشم اورنگ‌زیب، متعصب پادشاه وقت هند، را برانگیخت (همان، ص ۱۰۹)

قاضی میر از دیگر درباریان اورنگ‌زیب بود که پس از گرفتن تأییدیه از شریف و علمای مکه، به هند برد ولی اورنگ‌زیب کتاب تقریبی او را ناصحیح دانسته و وی را به زندان انداخت (همان، ص ۱۱۰)

از موارد دیگری که پیرسون درباره تأثیر سکونت حجاج هندی در حرمین ذکر کرده، ایجاد ازدحام و کمبود آذوقه به حدی است که دولت عثمانی در دهه هفتاد قرن شانزدهم، کاروان هندی‌ها را به کوچ به سوی وطنشان مجبور کرد (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۱۰)

فصل چهارم: سیاست‌های حج

پیرسون در ابتدای این فصل، به تبیین جایگاه قدرت‌های تأثیرگذار بر اداره حرمین پرداخته و از حکومت اشراف و سلطه و نفوذ ممالیک بر آنان در آغاز قرن شانزدهم سخن گفته و اینکه بعدها عثمانیان جای ممالیک را به شدت پر کردند.

نکته دیگری که در این زمینه پیرسون تذکر داده است، نقش محوری تجارت ادویه هند، در دریای سرخ است که مورد مناقشه پرتغالی‌ها و ممالیک و پس از آنان

عثمانی‌ها بود و باعث شد تا به آمیخته شدن انگیزه‌های دینی و سیاسی پرتغالیان، کاروان‌های تجاری و حج هند دچار چالش شوند.

پرتغالی‌ها با دو انگیزه از عبور کشتی‌های حجاج در دریای سرخ ممانعت می‌کردند: انگیزه اول، حفظ انحصار تجارت پُرسود ادویه هند در دستان خود و انگیزه دوم آنها، مقابله دینی با گسترش اسلام و انجام حج هندیان، که در نظرشان یک نوع کفر و بی‌دینی تلقی می‌شد.

پیرسون در ادامه به موارد مختلفی از دست‌اندازی‌های پرتغالی‌ها بر کشتی‌های حجاج هند، که به همراه حجاج، حاوی ادویه و کالاهای تجاری بوده، اشاره کرده که در ادامه فهرستی از آن ذکر می‌شود:

* حمله به کشتی میری از ناوگان ممالیک و قتل عام حجاج و اسارت تعدادی دیگر و ضبط بار کشتی (همان، ص ۱۲۰).

* درگیری پرتغال با ناوگان دریایی کلکته، در سال ۱۵۰۴ میلادی که حاوی طلا و نقره هدیه شده از سوی پادشاهان هند به مکه بود.

* حمله پرتغالی‌ها به ناوگان ممالیکی حامی هند با فرماندهی ژنرال مصری امیر حسین، و شکست دادن آنان در سال ۱۵۰۸م.

* حمله پرتغالی‌ها به کشتی‌های حجاج و به آتش کشیدن ۲۶ کشتی و تصاحب کشتی‌های ادویه.

آنان در سال ۱۵۲۸، با حمله به کاروان کشتی‌های بادبانی هندی، که متشکل از ۱۳۰ کشتی بود، ۶۰ کشتی نظامی و حفاظتی آن را نابود و کشتی‌های باری را تصاحب کردند. با استمرار این تهدیدات بود از سال ۱۵۳۸م که حمایت ناوگان عثمانی از کشتی‌های حجاج هند آغاز شد.

طولانی شدن حمله‌های پرتغالی و تهدیدی که با انگیزه‌های مالی و دینی ضد حجاج اعمال می‌کردند باعث شکل‌گیری ادبیات ضد پرتغالی در هند شد. برای نمونه، موضوع قصیده «تحفة المجاهدین»، درگیری مالابار میان مسلمانان هند و پرتغال است.

پرتغالی‌ها در سال ۱۵۰۶ طی توافقی با حاکم کلکته، مسئولیت نظارت بر جواز کشتی‌های باری و عبوری را به وی واگذار کردند. در همین راستا گزارشی وجود دارد که حاکم بندر دیو، به شرط عدم همراه داشتن الایه و برده‌های ترک یا رومی، مجوز عبور کشتی‌های حجاج هند را صادر کرد.

اما تهدیدهای پرتغالی‌ها تا زمان اکبرشاه ادامه یافت. از آنجا که حج مورد توجه خاص اکبرشاه بود و بانوان طبقه اشراف دربار، از جمله مادر وی، به حج می‌رفتند، به تأمین ایمنی راه حج بسیار توجه داشت. وی بدین منظور، در سال ۱۵۷۳م، با تکیه بر قدرت نظامی خود و سلطه‌اش بر گجرات، طی توافقی با پرتغالی‌ها، مجوز اعزام سالیانه حجاج و معاف شدن آنان از مالیات سفر دریایی، در دریای سرخ را به دست آورد. (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۴۷)

البته با وجود این توافق‌نامه، باز هم آزارها و دست‌اندازی‌های پرتغالی‌ها علیه کشتی‌های هندی وجود داشت و باعث شد تا اکبرشاه در ۱۵۸۰م تصمیم به فتح بندرها هندی در اختیار پرتغالی‌ها بگیرد که نویسنده از نتیجه این تصمیم اطلاعی نداده است. از سوی دیگر، با تحریک کلیساهایی که با حمایت استعمارگران در گوای هند ایجاد شده بود، مجلس محلی این شهر، طی قانونی در سال ۱۵۶۷م، اجرای هرگونه مراسم دینی را برای غیر مسیحیان، اعم از هندو و مسلمان، ممنوع کرد و حاکمان منطقه را از اعطای هرگونه مجوزی برای حج خانه خدا یا مسافرت به معابد هندو منع کرد (همان، ص ۱۳۶)

فصل پنجم: مغولان و حج

پیرسون در این فصل به مناسبات پادشاهان مغول هند با حرمین و خدمات به حج، پرداخته است. از جمله این خدمات، ارسال هدایای سالانه و وقفیات متعدد است. وی در ادامه به جایگاه پراهمیت حرمین نزد هندیان می‌پردازد و از حمایت‌های بسیار حکام مغول از حج و اهدای هدایای آنان سخن می‌گوید. برای نمونه:

* اهدای مبلغی معادل ۱۶۲۰۰۰ ریال سعودی از سوی حاکم بنگال به نماینده

علمای مکه؛ (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۶۵)

* مساعدت شیرشاه برای تأمین امنیت مسیر رفت و برگشت دریایی به حج با

هم‌پیمانی عثمانیان؛

* حمایت مستمر حاکم گجرات، مظفر دوم، برای تهیه کشتی و آذوقه حجاج

هندی؛

* تلاش حاکم کلکته برای جلب رضایت پرتغالی‌ها، رفت جهت مجوز عبور

حجاج هندی از دریای سرخ با اعطای ۳۰۰ جوال برنج هندی به پرتغالی‌ها؛

* حمایت‌های بسیار اکبرشاه از هند و حرمین، به دلیل حج اشراف‌زادگان

هندی، به ویژه زنان صاحب مقام دربار مغول مانند بجایگم همسر همایون

شاه، گلبدن بیگم دختر بابرشاه و عمه اکبرشاه؛

* هدایای سالانه اکبرشاه به حرمین می‌فرستاد و موقوفات خاصی را که برای

آن در سورات در نظر گرفته بود؛

* یاد کرد از مقام صدر که وظیفه توزیع هدایای دولتی به اماکن عبادت و

مؤسسات آموزشی و برای حج حجاج هندی نیازمند را در دولت اکبر به

عهده داشت. این حمایت‌ها تا قرن هفدهم ادامه یافت.

اکبرشاه و جانشینانش تا مدت‌ها با پرداخت هزینه سفر، حجاج فقیر را به حج

خانه خدا می‌فرستادند. این حمایت‌ها در عصر شاه‌جهان و اورنگ‌زیب نیز ادامه یافت.

پیرسون انگیزه‌ها و اهداف حج صاحب منصبان دربار مغول هند را این‌گونه

برمی‌شمرد:

* تقویت ایمان و تقوای الهی؛

* دورنگهداشتن درباریان خطرناک مانند رقیبان و شکست‌خوردگان سیاسی؛

* عقوبت افراد ناکارآمد (تبعید محترمانه)؛ مانند حکیم صدرا مسیح الزمان که

پس از ناتوانی از درمان جهانگیرشاه راهی مکه شد؛

* فرار درباریان از خشم حاکمان و پادشاهان؛ چنان که بهادرخان، حاکم گجرات، از بیم خشم همایون به حج رفت؛ سردار ابوالخیر از فرماندهان سپاه اکبر شاه که پس از شکست در یکی از نبردها به حج رفت؛
 * اعتقاد به تأثیر حج در اصلاح شیرین و مفسدان که در مورد سید منصورخان از درباریان شاه جهان نقل شده که برای اصلاح به مکه فرستاده شد (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۵۶).

پیرسون همچنین از تلاش پادشاهان مغول برای دریافت مجوز کشتیرانی در دریای سرخ از سوی پرتغالی‌ها یاد کرده که با اهداف زیر انجام می‌شد:
 * بهره‌گیری از بازارهای خاورمیانه، به‌خصوص برای پارچه‌های هندی و واردات مستقیم طلا و نقره از بندرها دریای سرخ؛
 * فراهم کردن زمینه توزیع آسان صدقات و هدایای سلطان هند در حرمین بدون واسطه.

* تأمین امنیت کشتی حجاج و مسافران عازم کلکته و دیگر مناطق هند (همان، ص ۱۶۶)
 وی در ادامه به باج‌خواهی دائم اهل مکه و اشراف آن از حجاج هند، در قالب مالیات‌های مختلف یاد کرده است.

کمک گرفتن برخی از حکام هند، مانند اورنگ‌زیب، از شرکت‌های اروپایی برای تأمین امنیت سفر دریایی حج از نکات دیگری است که در این فصل به آن اشاره کرده است. او همچنین کسب مشروعیت را یکی از اهدافی می‌داند که اورنگ‌زیب برای تأیید شدن از سوی شریف مکه با اهدای هدایایی قیمتی به او، دنبال می‌کرد و به ناکامی اورنگ‌زیب از تکرار بیهوده این هدایا اشاره کرده است که به تیره شدن روابطش با این اشراف در اواخر دوره اورنگ‌زیب انجامید.

شریف مکه در ازای این هدیه‌ها با ارسال قاصدهای مختلفی هدایای مقدسی، که از نظر مادی کم‌اهمیت بود، را به دربار هند می‌فرستاد و در مقابل، هدیه‌های قیمتی و کمک و مساعدت مادی خود را به اسم مرقد پیامبر ﷺ طلب می‌کرد.

وی همچنین ناخشنودی پادشاهان هند به سوء استفاده اشراف مکه از هدایا و صدقاتی که به جای عموم مردم به جیب اشراف می‌رفت را اطلاع داده است. این مسئله باعث شد تا پادشاهان مغول هند هدایای هندی را به جای وساطت اشراف مکه، مستقیماً به نیازمندان و علما تحویل دهند (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۶۴).

وی در این فصل از ممانعت شاهان صفوی نسبت به عبور حج گزاران هندی از ایران برای رسیدن به حجاز سخن گفته (همان، ص ۱۶۲) که نه در منابع دیگر یاد شده و نه با توجه به روابط خوب پادشاهان مغول هند با ایران، بعید به نظر می‌رسد و اسناد به جا مانده به طور مشخص برخلاف این است چنانکه اکبرشاه پیشنهاد طلب مساعدت خان توران را علیه پادشاهان صفوی به استناد سیادت و دینداری ایشان رد کرده است (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی، ص ۲۹۵).

فصل ششم تا نهم: ابعاد اقتصادی حج

پیرسون به ابعاد اقتصادی حج در سه رویکرد راه دریایی، راه خشکی و شهر مکه پرداخته است که به دلیل محدودیت زمانی به گزارش اجمالی آن بسنده می‌شود. وی با انگیزه نقد یک تفکر خصمانه غربی به این مسئله پرداخته است؛ تفکری که منکر انگیزه‌ها و رویکردهای دینی و معنوی حجاج در حج شده و آن را عبادتی می‌داند که در باطن، به نحوی ریاکارانه برای اهداف مادی و تجارت است، ولی به ظاهر برای عبادت انجام می‌شود.

وی معتقد است، این نگاه برآمده از ذهنیت مسیحی ناسازگاری دنیا و آخرت و تنافی دین و تجارت است. او این دیدگاه را با توضیح نگاه قرآن به رابطه دین و دنیا و سازگاری آن دو در نگاه اسلام، نقد می‌کند (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۷۵)

وی در توضیح نقش حج در تجارت، ابتدا به استفاده بازرگانان هندی و شرقی از فرصت حج و حرکت کاروان حجاج اشاره می‌کند و به گزارش‌هایی استناد می‌کند

که گاه کاروان حجاج به دلیل بارهای تجاری یک بازرگان که با آن همراه شده، مدت بیشتری از نیاز واقعی خود را در برخی از منزلگاهها توقف کرده است.

او مکه و جده را محل اجتماع و میعادگاه تجار مناطق غربی جهان اسلام، مانند بازرگانان اروپایی، سوری و مصری با تجار هندی و ایرانی و یمنی دانسته است که به یمن حج، به داد و ستد کالاهای مناطق خود می پرداختند (همان، ص ۱۸۷)

وی در ادامه به مسئله تجارت دریایی در دریای سرخ می پردازد و پیرسون در نامبردن از کالاهای تجاری هند در حج انحصار گرفتن تجارت ادویه هند توسط پرتغالی ها را چنان مهم می داند که طی نامه ای آن را یکی از مهم ترین انگیزه های خود در کنار انگیزه مبارزه با اسلام و حج، برای حضور خود در دریای سرخ دانسته اند؛ (همان، ص ۱۷۸) انگیزه ای که هلندیان را نیز به این وادی کشاند (همان، ص ۱۷۹)

علاوه بر طلا و نقره هندی، جواهرات لباس ها، ادویه، فلفل و قهوه عربی، آرد، برنج و انواع حبوبات را نیز از جمله کالاهای قابل عرضه کاروان های هند در حرمین شمرده است. این کالاها علاوه بر تجار عمده، به وسیله خود حاجیان به صورت جزئی نیز برای تأمین هزینه سفر یا بخشی از آن به فروش می رسید. البته برخی جزء مازاد آذوقه سفرشان و برخی نیز به ناچار و به هنگام کمبود مخارج سفر به فروش زاد و توشه خود در حرمین دست می زدند (پیرسون، ۲۰۱۱م، ص ۱۸۲).

وی در فصل هفتم به ابعاد اقتصادی حج از راه دریا می پردازد.

اهمیت حج در اقتصاد هند

پیرسون با نقل قول از نویسندگان منابع حج گزاری، سود حاصل از تجارت گجرات در ایام حج را ۵٪ و دو سوم صادرات کالاهای گجرات دانسته که از طریق دریای سرخ به جده و مکه می رفت (همان، ص ۱۹۱).

حج تأثیر چشمگیری در رشد اقتصادی اقیانوس هند داشت و باعث اتصال شبکه‌های تجاری جهان اسلام در اقیانوس هند به دورترین مناطق غربی می‌شد (همان، ص ۱۹۳). بازار بین‌المللی حج اساسی‌ترین مکان جذب تجارت در اقیانوس هند بود و مراسم حج تأثیر ویژه‌ای در تجارت هند داشت چنانکه پیش‌بینی حجی بی‌خطر باعث می‌شد تا ماه‌ها پیش از آن تولیدکنندگان گجراتی برای رساندن محصولشان به بازار حج تلاش مضاعفی انجام دهند (همان، ص ۱۹۲).

بادهای موسمی و قمری بودن تقویم حج

از آنجا که تجارت دریایی به بادهای موسمی وابسته بود که در زمان‌های خاصی از سال می‌وزد باید تناسب این بادها و همزمانی آن با مراسم حج که تابع تقویم قمری و در سال شمسی متغیر بود لحاظ می‌شد (همان ص ۱۹۵). به همین دلیل بازرگانان هندی باید برای تجارتی موفق، علاوه بر در نظر داشتن تقویم شمسی، تقویم قمری حج را نیز لحاظ کنند تا به موقع به موسم حج برسند و الا نمی‌توانستند سود مناسبی را در بازارهای جده و مکه پس از موسم حج داشته باشند چراکه در موسم حج (با توجه به شدت تقاضا) قیمت کالاها بسیار بالا رفته و پس از آن پایین می‌آید (همان، ص ۲۰۱).

محصولات تجاری بازار مکه

مکه و جده در این هنگام محل اجتماع تجار یمنی بودند که قهوه می‌آوردند و تجار گجراتی که پارچه می‌آوردند (همان، ص ۱۹۲)

بازارهای اروپا و خاور میانه متقاضی ادویه هند بودند و فلفل اصلی‌ترین ادویه‌های این تجارت بود و پس از آن ادویه بدست آمده از پوست نارگیل و زنجبیل و دارچین و گیاه میخک از دیگر کالاهای مورد تقاضای این بازار بود (همان، ص ۲۰۶)

وضعیت ساحل جده و مشکلات حمل کالا

ساحل جده به دلیل وجود صخره‌های زنجیره وارو آب‌های کم عمق در سمت شمال برای کشتی‌های بزرگ خطرناک بود به همین دلیل این کشتی‌ها با فاصله بسیار با آن توقف کرده و کالاها را با کشتی‌های کوچک و قایق به بندر حمل می‌کردند که بر قیمت تمام شده تاثیر داشت علاوه بر آن مه گرفتگی‌های شدید و توفان‌های موسمی بر خطرات این دریا افزوده بود (همان ص ۲۰۴).

بندر مهم تجاری در حج

جده نقش محوری و بازار اصلی تجاری بود که از خشکی و دریا در آن جمع می‌شدند و برای ترانزیت دریایی از آن بهره می‌برند. کالاهای مسیر شمالی با کشتی‌های کوچک به سمت دمشق یا قاهره و با کشتی‌های بزرگ به سمت مخا و دریای عرب می‌رفتند، این تجارت ارتباط چندانی به دین و حج نداشت (همان، ص ۲۲۵).

علاوه بر جده، بندر مخا در یمن در قرن هفدهم میلادی به گونه‌ای توسعه یافت که به عنوان رقیب جده در تجارت مطرح بود. کاروان‌های تجاری صحرای سینا، مکه، قاهره، اسکندریه از این بندر عبور می‌کردند (همان، ص ۲۰۸).

باچ گیری کلان پرتغالی‌ها

آنان چه از راه اعطای مجوز عبور و چه از راه ضبط کشتی‌های بدون مجوز، درآمدهای بسیاری از تجارت دریایی هند به مکه به دست می‌آوردند. به عنوان نمونه شش هزار پاردوس از سه کشتی بزرگ از مکه؛ دوپست برده از کشتی باری حاکم پیشاپور در قرن شانزدهم دریافت کردند (همان، ص ۲۲۲)

درآمد آنها از کشتی‌های مسافری به حدود هزار استرلینگ طلا و نقره از هر کشتی مسافری بود و کشتی سورات در سال ۱۶۲۲ طبق گزارش‌های موجود ۲۵۰ هزار روپیه بود (همان، ص ۲۱۰)

مقدار مالیاتی که در بندر دیو به دریای سرخ در قرن شانزدهم هر سال این بندر ۲۳۰ هزار اکرافین مالیات پرداخت می کرد، هر کشتی هجده هزار دریافت می کرد و قیمت کل با ۴۳۲۰۰۰ اکرافین معادل ۲۵ میلیون ریال سعودی بود (همان، ص ۲۲۳).

فصل هشتم تجارت مکه

مکه بزرگترین مرکز بازرگانی جهان اسلام در دوره میانه بود. البته مراکز تجاری دیگری چون قاهره یا استانبول یا دمشق بودند که تجارتی دائم و ثابت به صورت کلی و جزئی و شبکه های توزیع داشتند اما در مکه تجارتی موقت و موسمی و با بهره برداری از فرصت حج بود و مکه شبکه تجارتی دائم نداشت (همان، ص ۲۴۳).

تجارت مکه موقت و کاملاً وابسته به حج بود. قبل از رسیدن کاروان های حجاج همه ساکنان مکه به جده می روند تا کالاهای مختلف از جمله کالاهای هندی را بخرند و به مکه ببرند و آن را با سودی بالای ۵۰٪ به حجاج در موسم حج بفروشند. با انتهای حج این کاسبان مغازه های خود را بسته و به سمت طائف یا جده می روند (همان، ص ۲۴۲).

با توجه به اینکه مکه هیچ یک از مواد غذایی مورد نیاز خود را تولید نمی کند در تولید ارزاق نیازمند مناطق دوردستی چون قاهره است (همان، ص ۲۳۱).

این خصوصیت چنان بود که پیرسون به نقل از لودویک دی وارث اظهار نظر زنده ای را درباره مکه معظمه نقل می کند که می گوید:

بدانید که به اعتقاد من نفرین خدا بر این شهر باریده است زیرا این شهر هیچ علف یا درخت یا هیچ چیز دیگر تولید نمی کند و ساکنان آن کمبود شدیدی در آب دارند (همان، ص ۲۳۱).

این درحالی است که انتخاب وادی غیر ذی زرع چون مکه از سوی بنیانگذار مکه حضرت ابراهیم با انگیزه خاصی بوده (قرآن کریم) و محرومیت مکه از این شرایط وجود انگیزه معنوی برای شکل گیری آن را تقویت می کند و امیرمومنان در

خطبه‌ای این مسئله را از روی تعمد و برای آزمودن اخلاص بندگان دانسته است. آن حضرت با تاکید بر اینکه کعبه مجموعه سنگ‌هایی است که به خودی خود نه نفعی می‌رساند و نه ضرر و نه می‌بیند و نه می‌شنود، امر و دعوت مردمان و پیامبران الهی به حج و قصد کردن این خانه را در بی آب و علف‌ترین مکان‌ها و در میان دره‌های تنگ و سنگ‌های خارا از سوی خدای متعال با اینکه اگر می‌خواست می‌توانست خانه محترم و مشعرهای بزرگ خود را در مناطق خوش آب و هوا و سرسبز در میان باغ‌ها و جویبارها قرار دهد که میوه‌های آن در دسترس همگان باشد و خانه‌اش را به جای سنگ‌های خارا از زمرد سبز و یاقوت سرخ و جواهرات گرانبها قرار دهد تا آنان را در برابر آزمونی بسیار بزرگ و ابتلایی عظیم قرار بدهد و آن را باعث اخلاص و جدا کردن بندگان خاصش برای رسیدن به رحمت خاص خود قرار دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹۹؛ نهج البلاغه، ص ۲۹۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴، ص ۴۶۹).

وابستگی اقتصادی اهل مکه به حج

مکه از زمان رسول الله مرکزیت اقتصادی خود را از دست داد و مرکزیت گردشگر دینی پیدا کرد (همان، ص ۲۳۰).
 تامین نیازهای اقتصادی مکه عمدتاً از سوی جده انجام می‌شد و مکه در کنار مراکز تجاری دیگر، با جده مرتبط بود.
 اهل مکه در امرار معاش خود کاملاً نیازمند حج هستند زیرا نیمی از آنان به عنوان نیروهای خدماتی در کارهایی مانند سفره داری، فروشندگی، باربری و خدمات حجاج مشغولند.
 هم‌چنین بیابان نشینان اطراف مکه، احشام خود را برای قربانی حج به مکه می‌آوردند، بربرها برای تجارت و شترداران برای تامین وسیله حمل و نقل حجاج و دیگران نیز کارهای خدماتی مختلفی را در ارتباط با حاجیان به عهده داشتند مانند صرافان، کسانی که مال را با رهن قرض می‌دادند و زنان بدکاره این افراد فقط در ایام

حج در مکه ساکن‌اند و اناقی کرایه می‌کنند و پس از آن به وطن خود باز می‌گشتند (همان ص ۲۳۳ و ۲۴۲).

اظهار نظر او در راستای بزرگنمایی فحشا در مکه است در حالیکه رابطه نامشروع و زنان بدکاره هیچ گاه در مکه، مانند برخی از مناطق غرب، مشروع نبوده و جو معنوی مکه اجازه فراگیر شدن این مسائل را در آن نمی‌داد.

عده دیگر از اهل مکه نیز تحت عنوان خدمت به مسجدالحرام و مشاعر مقدس از صدقه‌ها و عطایای که حجاج با خود می‌آورند بهره مند می‌شوند.

راهنمایان طواف مهمترین شغل تخصصی را در ایام حج داشت که تشکیلاتی بسیار دقیق و عریض و طویل بر کار آنان نظارت می‌کرد (همان، ص ۲۴۲).

برخی دیگر با بازی کردن نقش دامادهای موقت برای زنان مجردی که بدون محرم به حج آمده‌اند، نقش محرم آنان را بازی می‌کردند.

بهره مندی مکیان از حج آنچنان است که در میان مکیان مشهور شده که ما اهل مکه هیچ گندم و بلغوری نمی‌کاریم و حجاج غله و ما هستند یا حجاج نان حجازند (همان، ص ۲۳۳).

کالاهای تجاری مکه

کالاهایی که وارد مکه می‌شد عبارتند از: اشیاء گرانبیمنت مانند جواهرات یاقوت زرد، سنگ‌های قیمتی، انواع عطر؛ مانند مشک و کافور و عنبر و صبر و عرق‌های هندی و تولیدات مصر و عراق و یمن و خراسان و حبشه و هند و ایران، از جمله پارچه‌های پنبه‌ای؛ لباس‌های گرانبیمنت، قالیچه (همان، ص ۲۳۷).

عمده کالاهایی که در تجارت مکه خرید و فروش می‌شد خوار و بار و آذوقه و اشیای یادگاری و متبرک بود. (پیرسون، همان، ص ۲۲۹) نمونه اشیای زینتی و یادگاری مورد خرید و فروش در مکه جاروهای کوچکی که در جارو کردن خانه خدا بکار گرفته می‌شد بود و اورنگ زیب از آن خیلی خوشش آمده بود. همچنین

قطعات کسوت کعبه که توسط شریف مکه به مبالغ گزاف به فروش می‌رفت؛ آب زمزم که آن را در ظرف‌های مسی که ساخت مکه است به شهرهای خود می‌بردند؛ پارچه‌های پنبه‌ای بنگالی سفید برای کفن که با آب زمزم تبرک می‌شد (همان، ص ۲۴۷).

ارزانی و فراوانی ارزاق در مکه

ارزانی آذوقه در مکه دلایل دارد از جمله: هردسته از حجاج نیازمندی‌های خود را به همراه خود به مکه می‌آورد. برخی از این‌ها این کالاها را برای تامین نیازها و هزینه‌های خود به فروش می‌رساندند و برخی دیگر پس از فروش کالاها و ارزاق همراه خود، قیمت آن را صدقه می‌دادند (همان، ص ۲۳۸).

از سوی دیگر شهرهای مختلف در کمک‌رسانی به مکه با یکدیگر رقابت می‌کردند. به عنوان مثال هر ساله حدود بیست کشتی لبریز از کالا و مواد غذایی اهدایی عثمانیان از مصر به مکه می‌رسید (همان، ص ۲۳۲).

هدایا و آذوقه و صدقاتی که حکام هند از طریق ناوگان دریایی می‌فرستادند نیز در این زمینه بسیار قابل توجه بود (همان).

بازارهای مهم مکه

بازار اصلی مکه متشکل از حدود شش هزار دکان می‌شد که بیشتر معامله کنندگانش سوداگرانی غیر حرفه‌ای بودند که با هدف تأمین هزینه‌های حج خود به تجارت روی آورده بودند و برخی نیز به امید سودی تخیلی اجناس یادگاری می‌خریدند. بازار اصلی در مسعی بین صفا و مروه بود که در آن انواع غلات، گوشت، خرماهای مختلف، و... فروخته می‌شد؛ بازار پارچه فروش‌ها مستقل بود و بازاری دیگر نیز در باب بنی شبیه قرار داشت، همچنین بازاری نیز در منا در ایام اقامت حجاج در آن شکل می‌گرفت که معاف از مالیات بود. تا حدود دو هفته پس از اعمال منا، بازاری نیز در مکه برای حجاج باقی مانده تشکیل می‌شد (همان، ص ۲۳۹) البته بازار منا را سایبانی ممتد دانسته که تنها در آن مواد غذایی فروخته

می‌شد. پیرسون دلیل رکود این بازار در سال‌های اخیر را سختگیری وهابیان و تعالیم اسلام که مانع از خرید و فروش در ایام حج می‌شد دانسته است (همان، ص ۲۴۰). این درحالی است که خود پیرسون در آغاز فصل ششم که نظر اسلام را درباره امکان جمع میان انگیزه‌های معنوی و مادی شرح می‌دهد، به آیات حج اشاره می‌کند که یکی از اهداف حج را برخوردارگی از این منافع مادی دانسته است. همچنین از سفرنامه نویسی دانمارکی نقل شده که پیرامون کعبه راهروهایی پل مانند وجود داشت که برای جلوگیری از آفتاب ساخته شده بود و مکان مناسبی برای خرید و فروش‌های پراکنده حجاج و مایه ازدحامی شکوه‌خیز در مسجد الحرام و مانع عبادت حجاج شده بود (همان ۲۳۹).

خاتمه

پیرسون این خاتمه را با مقایسه ویژگی‌های حج به عنوان بزرگترین اجماع سالانه بشر در تاریخ جهان با حج در ادیان دیگر با تکیه به بررسی‌های هندویان و نیز حج مسیحیان نگاشته است. وی در این خاتمه ابتدا به معرفی چند منبع درباره سفرهای زیارتی غیر مسلمانان پرداخته مانند گزارش‌های اجتماعی و دینی سامیسن؛ کتاب دریای میانه از برودل؛ مقاله ویکتور ترنر، او در این مقایسه به ادعاهایی که بدون دقت و با اغماض نویسندگان آراء مختلف نسبت به حج بیان کرده‌اند، پرداخته و آن را نقد و بررسی کرده است (همان، صص ۲۶۳-۲۵۶).

نتیجه‌گیری

مایکل پیرسون در کتاب حج‌گزاری هند، ابعاد قابل توجهی از حج را، به‌طور کلی و به‌ویژه حج هندوستان، بررسی کرده است؛ از جمله: مناسبات پادشاهان گورکانی هند با حجاز و خدمات آنان به حج، عملیات ایذایی مستمر استعمار پرتغال در ممانعت و ایجاد مزاحمت برای حجاج، تأثیرات سیاسی - اقتصادی مهم حج بر دریانوردی و تجارت ادویه در اقیانوس هند و دریای سرخ. با این حال نواقصی چون

کمبود شواهد تاریخی، همه جانبه نبودن اطلاعات عرضه شده، خطاهای تاریخی و ادعاهای بی دلیل (هرچند اندک) از جمله نقاط ضعف این کتاب است.

منابع

* قرآن کریم

1. <https://hal.arts.unsw.edu.au/about-us/people/michael-pearson/>

۲. سید رضی، محمد، گردآورندهٔ بیانات امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، مؤسسهٔ نهج البلاغه، قم - ایران، اول.

۳. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران - ایران، چهارم.

۴. مایکل ن. پیرسون، ۲۰۱۱م، الحج إلى مكة، الخبرة الهندیه (۱۸۰۰ - ۱۵۰۰)، ترجمه ا.د. محمد خلیفه حسن. اشراف ا.د. ابوبکر احمد باقادر، اول، جده دار کنور المعرفة.

۵. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۱۰ق، بحار الأنوار، مؤسسة الطبع و النشر، بیروت - لبنان، اول.

۶. نوایی، عبد الحسین (به اهتمام)، ۱۳۵۷ش، شاه عباس؛ مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی، بنیاد فرهنگ ایران محل، نشر: تهران، ایرانسال.

